

پر توی از جلوه‌های علمی امام حسین که شیرین پاک‌نیا

اشاره

علم چون دریای موج در سینه امام معصوم، موج می‌زند و تشنگانش را که در برابر آن به نظاره نشسته‌اند سیراب می‌کند. در طول حیات امام حسین علیه السلام سوالات بسیاری بر آن حضرت عرضه داشتند و او قطره‌هایی از علم بیکرانش را به دل‌های عطشناک مردم باراند. در این نوشتار به جلوه‌هایی از علم امام حسین علیه السلام می‌پردازیم تا شاید نمی از آن یم بی‌کران برگیریم.

الف) سوالات اعتقادی

- ۱- ابن عباس می‌گوید که در مسجد مشغول بیان احکام برای مردم بودم که یکباره نافع بن ازرق برخاست و با صدای بلند گفت: «درباره مورچه و شپش برای مردم فتوا می‌دهی؟ برای من از خدایی که می‌پرستی خبر ده و اوصاف او را برای من بیان کن. با این سخن به فکر فرو رفته و خاموش ماندم. در این هنگام حسین بن علی علیه السلام که در گوشه‌ای نشسته بود، فرمود: ابن ازرق پیش بیا.» ابن ازرق با کمال بی‌حیایی گفت: از تو نپرسیدم! ابن عباس گفت: ای نافع، او حسین بن علی و وارث علم پیغمبر است.
- سپس امام به او فرمود: آن خدایی که من می‌پرستم به ظاهر و باطن همه مخلوقات علم کامل دارد. آن خدایی است که به وسیله حواس ظاهری درک نمی‌شود و با هیچ کس نمی‌توان او را مقایسه کرد. او یگانه است و هیچ گونه تجزیه‌ای بر نمی‌دارد و از راه نشانه‌های عظمتش شناخته و توصیف می‌گردد. هیچ معبودی به حق جز او نیست که بلند مرتبه است. نافع از کلام امام گریست.
- ۲- امام حسین علیه السلام نقل می‌کند روزی در مسجد نشسته بودیم که موذن بالای مناره آمد و شروع به اذان گفتن نمود. «الله اکبر، الله اکبر» ناگهان دیدیم که امیر مومنان علی علیه السلام می‌گردد، ما نیز تحت تاثیر او قرار گرفتیم. هنگامی که اذان به پایان رسید، حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا می‌دانید که موذن در ابتدای اذان چه می‌گوید؟ عرض کردیم: خدا و رسولش و وصی او داناترند. فرمود: اگر می‌دانستید چه می‌گوید، کم می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید. پس فرمود: «الله اکبر» معنای زیادی دارد: معنای اول این است که «الله» کسی است که خالق همه مخلوقات است و به مشیت او آفرینش تحقق یافته و تمام شئون وجودی پدید آمده‌ها از اوست و همه آفریده‌ها به سوی او باز می‌گردند. او بی‌بسته پیش از هر چیز و پس از هر چیزی است و حد اشیاء را نمی‌پذیرد. پس او باقی است و هر چیزی غیر از او فانی.
- معنای دوم «الله اکبر» این است که او عالم به همه آنچه که بوده و

هست و در آینده خواهد بود، پیش از به وجود آمدنشان است. معنای سوم آن این است که او توانا بر هر چیز است و در توانمندی خود استقلال دارد و هر گاه اراده آفریدن چیزی کند به محض آنکه بگوید باش، همان دم موجود خواهد شد.

معنای چهارم بیانگر حلم و کرم اوست. آنچنان در برابر ستمگران بردباری می‌کند که گویی نمی‌داند آنان چه می‌کنند و آنچنان گناهان را می‌پوشاند که گویی کسی از او نافرمانی نمی‌کند.

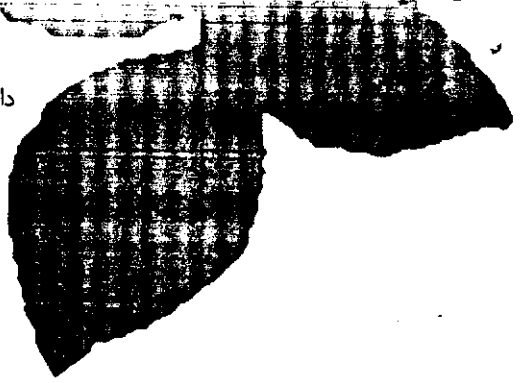
معنای پنجم «الله اکبر» این است که او در بخشش، سخاوتمند و فراوان بخش است.

معنای ششم آن نفی چگونگی اوست. گویی می‌گوید: او برتر از آن است که ستایشگران توان وصف حقیقی او را داشته باشند و معنای هفتم آن این است که عالی‌ترین است و هیچ نیازی به اعمال بندگان خود ندارد.

و اما گفتار «شاهد ان لا اله الا الله» بیانگر این نکته است که شهادت جز با معرفت قلبی روا نیست. گویا گوینده آن می‌گوید: من از روی شهود قلبی به یگانگی خدای متعال ایمان دارم و می‌دانم که هیچ معبود به حقی جز خدا نیست و همه آفرینش و تدبیر همه خیرها در دست اوست.

گفتار «شاهد ان محمدا رسول الله» به این معنی است که محمد صلی الله علیه و اله بنده و فرستاده و محبوب برگزیده اوست که او را

حق خود به سوی
 همه آدمیان ارسال
 داشته و سرور پیشینیان و
 آیندگان قرار داده است.
 «حی علی الصلاه»
 دعوت است به سوی
 بهترین اعمال و دعوت
 پروردگارتان و عرض
 نیازمندیهای خود و اینکه
 به کلام او توسل جوئید و



طلب شفاعت کنید و آن آتشی که با اعمال ناپسند خود فروخته
 اید ، خاموش گردانید. معنای « حی علی الفلاح » این است که به
 سوی جاودانه ای که هیچ نابودی در او راه ندارد و رستگاری که
 هلاکتی همراهش نیست، رو آورید و در این نکته از یکدیگر سبقت
 بگیرید. پس هر که خدا را اجابت کند به رستگاری و کرامت خواهد
 رسید و هر که او را رد نماید ، او از همه کس بی نیاز است و زودتر از
 همه کس به حسابش خواهد رسید.^۱

ب) قرآن و تفسیر

۱- امام حسین علیه السلام درباره قرآن فرمود: «کتاب خدای عزیز
 و بزرگ بر چهار چیز استوار است:
 الفاظ، اشارات، لطایف و حقایق. الفاظ قرآن از آن عموم مردم است
 و اشارات از آن نجبگان ؛ لطایف قرآن برای اولیای خدا و حقایق آن
 برای پیامبران است.»^۲

۲- پاداش قرائت قرآن

بشر بن غالب اسدی از امام حسین علیه السلام نقل می کند که
 فرمود: «هر کس ایستاده در نماز خود، یک آیه از قرآن را بخواند در
 برابر هر حرفی، پاداش صد کار نیک برایش نوشته می شود. پس اگر
 خاموش باشد و با توجه گوش بسپارد، در برابر هر حرفی یک کار
 حسنه پاداش می گیرد و اگر قرآن را در شب به پایان برساند، فرشتگان
 خدا تا هنگام صبح برای او طلب رحمت می کنند و اگر آن را در روز
 به اتمام برساند، ملائکه نگهبان تا شب بر او درود می فرستند و چنین
 کسی نزد خدا یک دعای مستجاب دارد.»^۳

۳- تفسیر «ناس» در آیه «ثم افيضوا من حيث افاض الناس»^۴
 روزی مردی خدمت امیر مومنان علیه السلام رسید و عرض کرد:
 اگر عالم هستی، مرا از تفسیر «ناس» و «اشباه الناس» و «نسناس»
 آگاه کن. حضرت امیر علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام
 فرمود: حسین جواب این مرد را بده - امام حسین علیه السلام رو به
 او نمود و فرمود: «اما اینکه پرسیدی «ناس» چه کسانی اند؟ ناس ما
 اهل بیت هستیم که خدای سبحان مردم را به پیروی از ما فرمان داده
 است. از این رو خدای متعال در کتاب آسمانی خویش می فرماید: «از
 عرفات، یعنی همانجایی که «ناس» به سوی من کوچ می کنند، شما
 نیز کوچ کنید. «ثم افيضوا الناس من حيث افاض الناس» و این رسول
 خدا صلی الله علیه واله بود که مردم را از رسوم جاهلی بازداشت و آنان
 را از عرفات کوچانید. و اما سوال تو که «اشباه الناس» (شبه مردم) چه
 کسانی هستند؟ آنان شیعیان و دوستان ما هستند و از مایند. از این رو
 حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «فمن تبعني فانه مني»^۵ هر کس
 از من پیروی کند به درستی که او از من است.» و اما سؤال تو که
 «نسناس» چه کسانی هستند؟ آنان همانند توده مردم اند که جز همانند
 چهار پایان نیستند، بلکه نادان و گمراه تر از آنهایند. این کلام اشاره به



۴- تفسیر آیه «اولوالارحام بعضهم اولی...»

امام حسین علیه السلام فرمود: آنگاه که خدای تبارک و تعالی این
 آیه شریفه را نازل فرمود، «خویشاوندان در کتاب خدا بعضی مقدم بر
 بعض دیگرند» از پیامبر صلی الله علیه واله تاویل این آیه را پرسیدم.
 پس فرمود: به خدا سوگند جز شما را قصد نموده است.
 شماید خویشاوندان من، پس هرگاه رحلت کردم، پدرت علی
 از هر کس دیگری به من و جانشینی من شایسته تر است. بعد از
 علی، برادرت حسن به او و جانشینی او سزاوارتر است و هرگاه حسن از
 دنیا رفت، شما به او و جانشینی او لایق تری. عرض کردم: ای رسول
 خدا! پس از من چه کسی سزاوار جانشینی است؟ فرمود: فرزندت علی،
 سپس فرزندش محمد، بعد از او فرزندش جعفر، سپس فرزندش موسی
 و بعد از او فرزندش علی. سپس فرزندش محمد، بعد از او فرزندش
 علی و بعد از او فرزندش حسن، پس هرگاه حسن از دنیا رفت، غیبت
 صغری و پس از آن غیبت کبری در نهمین فرزند تو رخ می دهد. این
 نه امام از نسل تو هستند. خدا به آنان دانش و فهم مرا اعطاء کرده
 است. بعد از اندکی تامل، رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود: گروهی
 را چه شده که مرا از طریق دودمانم می آزارند؟ خدا شفاعت مرا به
 آنان نرساند.^۶

۵- تفسیر آیه شریفه «هذان خصمان اختصموا فی ربهم»

نصر بن مالک می گوید: به امام حسین علیه السلام عرض کردم
 «ای ابا عبدالله! در توضیح این کلام خدا که این دو گروه مومن و
 کافر، مخالف و دشمن یکدیگرند که در ارتباط با پروردگارشان با هم
 به جدال برخاستند برایم سخن بگو. حضرت فرمود: ما و بنی امیه در
 ارتباط با ایمان و کفر به خدا با هم در ستیزیم، ما باور داریم که خدا
 راست می گوید، آنان می گویند که خدا دروغ می گوید، پس ما و آنان
 در روز قیامت دشمن خواهیم بود.»^۷

۶- تفسیر «صمد»

مردم بصره به امام حسین علیه السلام نامه ای نوشتند و در آن از
 معنی صمد سوال نمودند. حضرت در پاسخ نوشت: «بسم الله الرحمن
 الرحيم» خدای سبحان خود تفسیر «الصمد» را فرموده است: «نه
 زاییده است و نه زاده شده و نه هیچکس همتای اوست» نه زاییده
 است: یعنی از آن رو که او محیط به اول و آخر و ظاهر و باطن وجود و
 شئون وجودی همه است، پس چیزی از او بیرون نیاید و جدا نشود، چه
 مادی و متراکم مثل نوزاد هر جانداري و چه لطیف و نامرئی و مجرد
 مثل جان و روح و نیز حالات گوناگون از قبیل خواب، تردید، نگرانی
 و اندوه و گریه، ترس و امید، گرسنگی و سیری که همگی عوارض
 عالم نقص و محدودیتند، هیچ کدام از او منشعب نگردد. پس چیزی
 از او بیرون نیامده و خود او نیز از چیزی جدا نشده است. او خود به
 وجود آورنده و آفریدگار همه چیز است، با مشیت او هر آنچه به منظور
 فنا آفریده است، نابود می شود و با علم او هر آنچه که برای بقا خلق
 نموده است، باقی می ماند. این است ویژگیهای خدایی که نه زاییده
 است و نه زاده شده است و او را هیچ همتایی نیست.^۸

ج) پرسشهای شرعی

۱- از امام حسین علیه السلام سوال شد: چرا خدای سبحان بر
 بندگان خود روزه را واجب فرمود؟ در پاسخ فرمود: «تا ثروتمندان
 درد گرسنگی را بچشند. پس اضافه دارایی خویش را برای درماندگان
 صرف کنند.»^۹

۲- از امام حسین علیه السلام سوال شد اگر شکاری در مکه ذبح شود حکمش چیست؟ فرمود: نباید خورده شود و باید همانند مردار رها شود.^{۱۱}

سنتی حسنه در جامعه و یا رشد و باروری آن انجام می‌دهد، پس کار و تلاش در این راه از بهترین عملهاست، زیرا احیای سنت است.^{۱۲}

د) پرسشهای علمی

پادشاه روم قاصدی را که حامل سؤالاتی بود به نزد معاویه و یزید فرستاد؛ ولی آنها نتوانستند پاسخگوی آن پرسشها باشند، لذا او را به سوی امیرمؤمنان علی علیه السلام ارسال داشتند و آن حضرت نیز او را به سوی فرزندش حسین علیه السلام فرستاد. او از امام حسین علیه السلام پرسید: محجره چیست و هفت مخلوقی که خدا آنها را بدون پرورش در شکم مادر آفریده، کدامند؟

امام حسین علیه السلام از این پرسش تسمی نمود، ایشان علت خنده را پرسید. فرمود: برای اینکه از چیزهایی پرسیدی که نسبت به علم ما، مانند خاشاکی است در وسط دریا، اما محجره یا کپکشان همان کمان خداست. شاید منظور رنگین کمان باشد. اما هفت مخلوقی که در رحم آفریده نشده‌اند عبارتند از: آدم، حوا، کلاغی که برای دفن جسد هابیل برای قایبل مبعوث شد، قوچ حضرت ابراهیم علیه السلام که برای فدایی اسماعیل علیه السلام آمد، ناقه حضرت صالح که از درون کوه بیرون آمد، عصای موسی و پرنده‌ای که حضرت عیسی آن را زنده نمود.

سپس قاصد رومی درباره روزی بنده‌های خدا سوال کرد، حضرت در پاسخ فرمود: «روزی بندگان در آسمان چهارم است و خدا آن را کم یا بیش از آنجا فرود می‌آورد.»^{۱۳}

سپس پرسید ارواح مؤمنان در کجا گردآوری می‌شوند؟ حضرت فرمود: زیر صخره بیت المقدس در شب جمعه و آن عرش نزدیک خداست که از آن زمین گسترده شده و از آن آسمان برپا شده است و اما محل گردآوری ارواح کفار در این دنیا، بیابان حضرت هوت در یمن است.^{۱۴}

۳- یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام حسین علیه السلام پرسیدم: آیا در روز ترویبه برای حج تمتع محرم شوم؟ فرمود: آری! از هر جای مسجدالحرام که می‌خواهی می‌توانی محرم شوی و بهترین جای مسجدالحرام زیر ناودان و مقام ابراهیم علیه السلام است.^{۱۵}

۴- امام سجاد علیه السلام فرمود: از پدرم پرسیدم چرا طواف خانه خدا هفت دور است؟ فرمود: زیرا خدای متعال به فرشتگان فرمود: «انی جاعل قی الارض خلیفه». «من در زمین خلیفه می‌گمارم» و فرشتگان بر خدای متعال خرده گرفتند که: «اتجعل فیها من یفسد و یسفک الدماء» آیا در زمین کسانی را می‌گماری که در آن فساد کنند و خونها را بریزند؟ خدای سبحان فرمود: «انی اعلم ما لا تعلمون»^{۱۶} من می‌دانم آنچه که شما نمی‌دانید. و پیش از این خدا ملائکه را از نور خود محبوب نمی‌داشت، پس بعد از آن، آنها را هفت هزار سال از نور خود محبوب ساخت، آنان هفت هزار سال به عرش خدا پناهنده شدند، خدا بر آنان رحمت فرو آورد و برای آنان بیت المعمور را که در آسمان چهارم است قرار داد و آن را وعده گاه و مقام امن آنان گردانید و بیت الله الحرام را در زمین در زیر بیت المعمور نهاد و آن را محل امن مردم قرار داد، پس بر بندگان خدا هفت دور طواف که برای هر هزار سال، یک دور قرار داده شده، واجب شد.^{۱۷}

۵- ابی سلمه می‌گوید: با عمر بن خطاب مراسم حج را به جا آوردم، همین که به ابطح رسیدیم، عربی آمد و از عمر مسئله‌ای پرسید و سوال این بود که تخم شتر مرغ را به دست آوردم و همه را جمع کردم و پختم و خوردم در حالی که محرم بودم. حال کفار من چیست؟ عمر گفت: در این باب چیزی به خاطر نمی‌رسد. بنشین شاید خداوند این مشکل تو را به وسیله یکی از اصحاب و یاران محمد صلی الله علیه و اله حل کند.

در همان لحظات، علی علیه السلام با امام حسین علیه السلام وارد شدند. عمر گفت: ای مرد، سوالت را از علی بی‌رس. اعرابی سوال خود را مطرح نمود ولی امام علی او را به امام حسین علیه السلام حواله داد، حضرت در پاسخ فرمود: آیا شتر داری؟ گفت: بله دارم. حضرت فرمود: «به تعداد تخمهایی که تصرف کردی، شتران نر را به شتران ماده جفت کن و هر چه از جفت گیری آنها نتیجه دهد، به خانه خدا هدیه کن.» در این وقت عمر گفت: گاهی از شتران جنین سقط می‌کنند. امام فرمود: گاهی هم تخمها جوجه نمی‌دهند. عمر این استدلال را تصدیق نمود.^{۱۸}

۶- از امام حسین علیه السلام سوال شد: آیا جهاد مستحب است یا واجب؟ فرمود: جهاد بر چهار قسم است: دو نوع آن واجب و سومی مستحبی است که جز با واجب به پا نمی‌شود و چهارمی آن مستحب است، اما یکی از دو جهاد واجب، جهاد انسان با نفس اماره است تا او را از معصیتهای خدا بازدارد و این بزرگترین جهادها است. دومین جهاد واجب، جهاد با کفاری است که هم مرز شما مسلمانها هستند و اما آن جهاد مستحبی که جز با واجب به پا نمی‌شود، مجاهده با دشمنان است که بر همه امت واجب است. اگر همگی آن را ترک کنند، عذاب به آنها می‌رسد و این عذاب همه را از خوب و بد فرا می‌گیرد و این گونه جهاد بر امام بی‌یاور مستحب خواهد بود، نه واجب. و اما آن جهادی که بر همه مستحب است، تلاشی است که برای به یاد داشتن روشی عادلانه و نیکو در حیات فردی خود و نیز برای به یاد داشتن

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۰۴-۶۰۰ با اندکی تصرّف و تلخیص.
۲. همان، ص ۶۱۹.
۳. همان، ص ۶۱۹.
۴. بقره/ ۱۹۹.
۵. بقره/ ۱۹۹.
۶. ابراهیم/ ۳۶.
۷. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۸۲۸-۸۲۷.
۸. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۲۲.
۹. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۶۲۸.
۱۰. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۷۶۱.
۱۱. همان، ص ۷۷۱.
۱۲. همان، ص ۷۷۰.
۱۳. بقره/ ۳۰.
۱۴. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۷۷۳.
۱۵. محمد باقر مدرس، شخصیت حسین علیه السلام، ص ۲۵۸.
۱۶. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۷۷۸.
۱۷. همان، ص ۸۰۶-۸۰۵.
۱۸. تحف العقول، ص ۲۲۶.

